

### مقدمه :

در رابطه با صحت عملکرد سیستم بازار نگرانی زیادی در جوامع وجود دارد و در برخی از موارد این نگرانی تحقق یافته و عدم کارآمدی سیستم های مالی در بازار سرمایه باعث شده سهامداران اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی مبالغ زیادی را از دست دهند در این مقاله تلاش گردیده که چگونه می توانیم اعتماد ، اطمینان یا صداقت را به اطلاعات مالی و تمام کسانی که در روند تهیه اطلاعات مالی و سایر اطلاعات فعالیت دارند برگردانیم.

\* گروهی از محققان بر این باورند که برخی از یافته ها کمک شایانی به ایجاد اعتماد و صداقت در گزارشگری ایفا می کنند این یافته ها عبارتند از :

- ۱) تنظیم آیین نامه های اخلاقی ( منشور اخلاقی ) و کنترل و نظارت مداوم آنها .
- ۲) تاکید مدیریت شرکت بر کارآمدی مدیریت مالی و اعمال روشهای کنترلی و مدیر مالی از طریق ایجاد کمیته های حسابرسی .
- ۳) حذف یا کاهش محرکه های غلط عرضه کننده اطلاعات مالی مانند پیش بینی های سود به طور غیر واقع بینانه .
- ۴) نظارت و کنترل مستمر اعضاء هیات مدیره بر عملکرد مدیر اجرایی ارشد شرکت .
- ۱ - ۴) توجه کافی و مناسب به هر یک از حوزه هایی که مدیر اجرایی ارشد باید رهبری و هدایت آنجا را به عهده گیرد .
- ۲ - ۴) ارزیابی مستقیم و بلاواسطه هیات مدیره از یکایک اعضاء زیرمجموعه .
- ۵) اثر بخشی و کارآمدی گروه حسابرسی داخلی و توجه به کیفیت ارائه اطلاعات مالی
- ۶) شفافیت قوانین مالی و استانداردها حسابداری و آثار آن در گزارشگری مالی .
- ۱ - ۶) عدم برخورد صحیح قوانین با شرکت های عرضه شده در بورس و نگرانی از صحت عملکرد گزارشگری مالی و پیش بینی های سود ، علاوه بر اینکه منجر به تحمیل زیانهای جبران ناپذیر به سهامداران شده بلکه باعث بالا رفتن ثروت برخی دیگر از سهامداران خواهد شد ، فقدان اعتماد و اطمینان در کل بازار سرمایه و وجود این مشکلات در صنعت سرمایه واگیردار بوده و به سایر صنایع تاثیر خواهد گذاشت و ماهیت و موقعیت جهانی را نیز زیر سوال خواهد برد . بطوریکه بازسازی آن به سالها وقت و زمان نیاز خواهد داشت ، عقب نشینی سرمایه گذاران و تنزل قیمت در بازار باعث کاهش قدرت تولید و بهره وری اقتصادی خواهد شد . که تقریباً تمامی ناکامی های پر سرو صدا و خبرساز حاصل تاثیر مشترک ناکامی ها در تجارت ، ناکامیها در نظام راهبری و ناکامیها در گزارشگری می باشد .

وقتی که یک واحد تجاری به شکست تجاری نزدیک می شود ، انگیزه تحریف گزارشگری افزایش می یابد لذا شناس شکست گزارشگری افزایش می یابد .

نکته قابل توجه این است که شکست گزارشگری به ندرت مستقیماً باعث شکست تجاری می شود اما می تواند باعث انتشار عملکرد ضعیف تجاری شده و تصمیمات تجاری سخت را به تاخیر اندازد . بنابراین بین شکست تجاری و شکست گزارشگری ارتباط بسیار نزدیکی است . و صداقت شخصی و نهادی در این دو موضوع به عنوان یک عنصر مداخله گر، اصلی ترین مؤلفه در رسوایی مالی و تقلب شرکتها در سالهای اخیر در سطح بین الملل بوده است .

### نقش نظارت کنندگان و استفاده کنندگان از گزارشها :

نظارت کنندگان به دو روش عمده بر روند اجرائی تاثیر می گذارند : ابتدا از طریق کنترل بازارهای سرمایه و صورتهای مالی قابل استفاده در بازارهای سرمایه ، دوم کنترل حسابرسان که همواره در مرز حقوق عمومی و حقوق خصوصی به قضاوت می پردازند و قدرت تمیز و تشخیص آنان منشاء اثر است . نظارت و کنترل یا مستقیماً توسط دولت یا بطور غیرمستقیم از طریق تفویض اختیار آن به بورس اوراق بهادار و دیگر نهادهای حرفه ای انجام می شود .

نقش نظارت کنندگان ارزیابی رعایت و هماهنگی با استانداردها و برخورد با هر گونه نقض استانداردها می باشد . در واقع نظام نظارتی یا کنترلی کارآمد منجر به شناسایی این افراد در مقابل قانون بوده و این به معنی ایجاد و اعتماد بیشتر سرمایه گذاران می باشد . صورتهای مالی با کیفیت باعث تسهیل در تصمیم گیری اعتبار دهندگان ، بانکهای سرمایه گذار و تحلیل گران مالی خواهد شد .

با وجود اینکه اصلاحات زیادی در استانداردهای حسابداری صورت گرفته و اکثر مدیران ، سیستم های حسابداری شان را اصلاح کرده اند و هیات مدیره نیز به نحو موثری بر کار مدیریت نظارت دارند ، صورتهای مالی هنوز در رابطه با مسائل قضاوتی

مشکل دارند حتی وقتی که اشخاص صادق و با صلاحیت و با وجدان آن کارها را انجام می‌دهند باز هم به نتایج متفاوتی می‌رسند . از میان برداشتن چنین تفاوت‌هایی هرگز ممکن نیست اما امکان کمتر کردن آنها و تهیه اطلاعاتی که به کاربران امکان درک قضاوت ها و برآوردهای مهم صورت گرفته را می‌دهد وجود دارد .

## اعتماد و اطمینان و بین المللی بودن آن :

جهانی شدن بازارها به منظور تهیه کالا و خدمات روز به روز تبدیل به عامل مهمی می‌شود اوراق بهادار دیگر محدود به یک کشور واحد و یک واحد اقتصادی نمی‌شود . بلکه هم اکنون این اوراق در ( یک یا چند شرکت داخلی ) و در تعدادی از کشورها معامله و مبادله می‌شود . بنابراین بورس اوراق بهادار گزارش‌های دریافت شده را فقط به بازار داخلی ارائه نمی‌کند ، بلکه در بورس‌های سایر کشورها که سهام شرکتها در آنجا معامله و مبادله می‌گردند گزارش شده و کسانی که در تهیه صورت‌های مالی از استانداردهای ملی استفاده می‌نمایند ، چون اوراق بهادار آنها در بیش از یک کشور پذیرفته شده است هم تحت سلطه قوانین کشور خود خواهند بود و هم کشورهایی که اهدافش در آنجا پذیرفته شده است .

البته این موضوع به این مفهوم نیست که هر کشوری که سهامش در سایر بورسها مبادله می‌گردد باید خود را منطبق با استانداردهای کشور دیگر بکند ، پذیرفتن استانداردهای یک کشور ممکن است به لحاظ سیاسی قابل قبول نباشد ، اگر چه امکان توافق فراهم است بطور خلاصه توافق بر سر یک سری استانداردهای خنثی ( بی طرف ) که استانداردها مورد پذیرش همگان است گنجانده شده است . موضوع اعتماد و اطمینان که یک مسئله بین المللی می‌باشد یکی از اصلی ترین موضع شرکت‌های بزرگ حسابرسی که به صورت شرکت‌های چند ملیتی هستند کاملاً" متفاوت از نهادهای چند ملیتی سازماندهی شده و در قالب شبکه ای از شرکت‌های مستقل با فرآیند سیاست‌های پایه ای و استانداردهای مخصوص به خود ، دفاتر ستاد مرکزی ( یک شرکت فرضی ) را بر مبنای یک سری دستورالعمل‌های خاص خود که بتواند همراه و هماهنگ با مقتضیات کشور میزبان به کار خود پایان داده و برای شرکت میزبان نتیجه کار تداعی کننده گزارش‌های مالی شرکت‌های بزرگ حسابرسی که حاصل اعتبار و اطمینان است ارائه می‌گردد که به لحاظ کارشناسی بی نقص تلقی می‌شود .

## نظارت هیات مدیره بر مدیریت :

به منظور بهبود کارآمدی نقش نظارتی و سرپرستی هیات مدیره تغییرات زیادی در حوزه نظام راهبردی سازمان بایستی صورت پذیرد . البته این امر به منزله نا کارآمدی هیات مدیره و یا موضع مهمی که اشغال کرده اند نیست . بلکه بهبود مستمر و توانمندی را نشان میدهد ، تشدید نقش کارآمدی هیات مدیره از بعد نظارت گسترده یعنی توصیه کم و رهنمود کامل روی خواهد داد . هیات مدیره به جای تنظیم وضع فهرست طولیلی از دستورالعمل ها ومقررات مفصل بهتر است به ارائه و اجرای تعدادی از اصول ضروری تکیه نماید . هدف باید بدست آوردن کارآمدی و اثر بخشی بیشتر باشد تا ترغیب به تکمیل فهرست کارهایی که باید انجام شود .

نکته قابل توجه این است که شیوه عمل هیات مدیره در کشورهای مختلف متفاوت است. اگر ساختار هیات مدیره هم مدیریت است و هم نظارت بهتر است نظارت و سرپرستی به عهده هیات نظارت باشد وقتی که یک هیات مدیره وجود دارد . مسئولیت نظارت یا کالا" بر عهده هیات مدیره است یا می‌تواند بین اعضاء هیات مدیره و یا یک یا چند کمیته تقسیم شود . اما باز مسئولیت نهائی با هیات مدیره است .

به عنوان مثال گروه‌های حسابرسی داخلی در شرکتها مسئولیت گزارشگری ضمنی را به عهده دارند که یکی از ابعاد نظارتی هیات مدیره هستند . اعضاء گروه حسابرسی باید افراد با سواد و با تجربه باشند ، عدم وجود تجربه و اشراف به امور سهامداری ، موجب گمراهی در گزارشات مالی شده و اعضاء هیات مدیره و رئیس هیات مدیره که بیشترین نقش را در نظام راهبری سازمانی و گزارشگری مالی و عملکرد شرکت عهده دارند خواهند شد . سازمانهائی که گروه حسابرسی آنها نقش مهمی را ایفا نمی‌کنند و یا فاقد آن می‌باشند تنها به گزارشات حسابرسان مستقل متکی بوده و برای ورود به بازارهای جهانی مشکل عمده خواهند داشت .

**تهیه کننده : ناصر میرزائی**

**EMAIL:MIRZAAE3575@YAHOO.COM**

تلفن: ۸۸۳۸۲۲۲۲

دفتر تلفیق برنامه و بودجه

عضوانجمن حسابداران خبره ایران و بهره وری ملی ایران

**منابع مطالعات آزاد**